

قواعد گفتگو و تفاوت آن با مناظره

برای اینکه گفتگو به صورت واقعی شکل بگیرد، غیر از باور به فرآیند گفتگو، به یک محیط امن برای گفتگو نیاز است. محیطی که فرد بدون هراس قادر باشد نظراتش را با طرف های گفتگو مطرح کند. محیط امن یعنی محیطی که در آن تحقیر وجود ندارد، یعنی محیطی که آدمی احساس کند به حرف هایش توجه می شود و مهمتر آنکه حرف هایش شنیده می شوند. فضای گفتگو با فضای مناظره متفاوت است. فضای مناظره، جای جدل و بحث و اثبات درست بودن نظرات طرف های مناظره است. محیط گفتگو، محیط حل مساله است. محیط مثبت اندیشی است. محیط تلاش برای درک مشترک است. محیط تفاهم است. محیط همکاری است.

مفروضات اولیه برای ورود به گفتگو: 1- احترام به حق و شخصیت انسانها 2- باور به فرآیند گفتگو

برای انجام یک گفتگوی سالم، طرف های گفتگو حقوق و تکالیفی دارند و احترام به دو اصل **همدلی** و **انسانیت** بر غنای گفتگو می افزاید.

حقوق مشارکت کنندگان در گفتگو:

1. هر کس این حق را دارد، که عقاید، نظرات و احساسات خود را، بدون نگرانی از برچسب خوردن توسط دیگران، ابراز کند.
2. هر کس این حق را دارد، که سوالاتی مطرح کند، تا نظرات دیگران را بهتر بفهمد.
3. هر کس این حق را دارد، که نظرات خود را تغییر ندهد و یا برای تغییر نظرش تحت فشار قرار نگیرد.

گفتگو	مناظره
گفتگو، مشارکتی است. همه طرفها با هم همکاری می کنند.	مناظره، نوعی جنگ است، هر طرف تلاش می کند تا ثابت کند دیگری در اشتباه است.
گفتگو، یک رابطه آموزشی بین طرفین برقرار می کند.	مناظره، یک رابطه رقابتی بین طرفین برقرار می کند.
گفتگو، مشارکت کنندگان را تشویق می کند تا سوالات و اهداف خود را در میان بگذارند.	مناظره، طرفین را تشویق می کند تا سوالات و اهداف خود را مخفی کنند.
در گفتگو، هدف، یافتن نظرات مشترک و یا نظرات جدید است.	در مناظره، هدف، غلبه یافتن نظرات شماست.
در گفتگو، همه برای حل مساله، همکاری می کنند.	در مناظره، نقطه نظر یک طرف، غالب و طرف دیگر، مغلوب می شود.
در گفتگو، شما باور دارید که راه حل های متعددی ممکن است وجود داشته باشد و افراد مختلف، سهمی در بهترین راه حل دارند.	در مناظره، شما باور دارید که تنها یک راه حل هست و آن راه حل شماست، و راه حل های دیگر قابل اعتنا نیستند.
در گفتگو، شما به احساسات، امیدها، و ایده های دیگران اهمیت می دهید.	در مناظره، شما به احساسات، امیدها، و ایده های دیگران اهمیت نمی دهید.
در گفتگو، شما بهترین ایده های خود را رشد می دهید.	در مناظره، شما از ایده های خود در مقابل چالشها، دفاع می کنید.
در گفتگو، شما به یکدیگر گوش می دهید، تا درک کنید و به تفاهم بالاتری برسید.	در مناظره، شما به یکدیگر گوش می دهید، تا نقطه ضعف و یا خطا بیابید.
در گفتگو، شما در جستجوی قسمتهای خوب اندیشه های دیگران هستید.	در مناظره، شما در جستجوی نقاط ضعف اندیشه های دیگران هستید.
در گفتگو، شما اندیشه های جدید را بررسی می کنید و چه بسا، نظر خود را کاملاً تغییر دادید.	در مناظره، شما نباید اندیشه های جدید را بررسی کنید و نباید نظر خود را تغییر دهید، مگر اینکه شکست را بپذیرید.
گفتگو، شما را و او می دارد تا خود را ارزیابی کنید.	مناظره، شما را و او می دارد تا دیگران را نقد کنید.
گفتگو، ذهن باز را ترویج می دهد، شامل باز بودن برای خطا داشتن.	مناظره، یک گرایش ذهن بسته می آفریند. شما تصمیم گرفته اید که خطایی ندارید!
گفتگو، شما را تشویق می کند تا همه اطراف یک موضوع را ببینید.	مناظره، شما را تنها به دیدن دو طرف یک موضوع ترغیب می کند.
گفتگو، دعوت می کند حتی پس از پایان رسمی گفتگو، موضوع باز باشد.	مناظره، با تعیین برنده و بازنده، بحثهای بعدی را عملاً مسدود می کند.

اصل همدلی تلاشی است برای ارائه معقولترین و قابل دفاعترین تعبیر ممکن از مدعای گوینده. در واقع هدف از این اصل متدولوژیک پرهیز از نسبت دادن دروغ و مغالطه های منطقی نسبت به مدعای دیگری است، تا وقتی که تعبیر عقلانی دیگری از آن مدعا وجود دارد.

همچنین **اصل انسانیت** - که متممی برای **اصل همدلی** است - می گوید هنگام تفسیر سخن دیگری باید فرض کنیم باورها و خواسته های او به نوعی با هم و با حقیقت پیوستگی دارند و «ما گزاره هایی را به گوینده نسبت می دهیم که اگر خودمان در آن شرایط می بودیم به کار می بردیم».